



بررسی یک آیین کهن در بین زرتشتیان ایران

● شادزیوی هنر است و درصدد شادی همگانی برآمدن، هنری والا تر.

در طول هزاره‌های تاریخ برخی عامل‌های فرهنگی، پایا و نامیرا مانده‌اند. که این نامیرایی ریشه در بطن جامعه داشتندشان را مشخص می‌کند. فرهنگ، یعنی هرآنچه زاییده شعور انسان است و فرهنگ آفرینی نیز کار چاوشان اندیشه انسان‌هاست. درست به همین سبب، می‌توان خورده فرهنگ‌های کم‌جان و سست مایه را آرام آرام به کناری راند و در اندام جامعه عادات بن‌داری رسوخ داد که برای ریشه‌دار کردنش دفاع فرهنگی هم نمود.

«چیستا» برآن است پیرامون یک رسم کهن به نام «گهنبار» به تحقیق و تبادل نظر بپردازد. بررسد آیا این رسم دیرینه، که هنوز نه به شکل گذشته، که در نوعی دیگر زنده مانده، اما بیرنگ شده، توش نوزایی اش هست؟ «گهنبار» بهانه شادی و بخشش است. همایشی دهقانی است به گاه‌انبار محصول، که از گذشته‌های دور به جا مانده است.

در نشست نخست، از صاحب‌نظران و علاقه‌مندان خواهش کردیم تا ما را در این باره راه نمایند: موبد شهزادی - دکتر پرویز رجبی - دکتر کتایون مزدآپور - دکتر حسین وحیدی - آقای بوذرجمهر پرخیده - آقای رستم وحیدی - آقای پدرام سروش‌پور - آقای سیروس خسروی و سردبیر مجله ما، آقای پرویز شهریاری که چنین آغاز می‌کنند:

شهریاری: به گهنبار هم، همچون بسیاری از رسم‌ها و جشن‌ها، باید به صورت یک سنت ایرانی نگاه کرد، نه دینی. هر جامعه زنده و پویا، در طول تاریخ خود و با تکامل روابط اجتماعی، سنت‌های نادرست و یا سنت‌هایی را که با زمان سازگار نیست، کنار می‌زند و سنت‌های زیبا را نگه می‌دارد. گهنبار یک سنت خوب ایرانی است و باید حفظ شود. ولی برای این که جان تازه‌ای پیدا کند، باید، در آغاز، گذشته آن را شناخت و سپس با توجه به شرایط روزگار ما، آن را تکامل بخشید. به همین مناسبت از همه پژوهندگان، اندیشمندان و صاحب‌نظران می‌خواهیم در این زمینه ما را یاری دهند. این مجلس هم به همین دلیل تشکیل شده است تا سرآغازی باشد بر این بحث. می‌خواهیم:

۱) ریشه‌های تاریخی گهنبار روشن شود و این که در طول زمان دچار چه دگرگونی‌هایی شده است.

۲) در زمان ما، گهنبارها (چه در ایران و چه در خارج ایران) چگونه برگزار می‌شود و ضرورت زمان، چه تغییرهایی را ایجاب می‌کند؟

۳) گهنبار چه بار فرهنگی دارد و چگونه می‌توان این بار را غنی‌تر کرد؟

۴) آیا بهتر است گهنبارها، همان‌گونه که در زمان ما و در گذشته نزدیک برگزار می‌شده و می‌شود، بوسیله افراد متمکن دنبال شود یا صورتی همگانی به خود گیرد و شکل «توجی» آن، یعنی با شرکت همه افراد یک محل، یک روستا یا یک شهر برگزار شود؟
در این زمینه‌ها و سایر زمینه‌های مربوط به سنت زیبای گهنبارها از همه علاقه‌مندان و ایران‌دوستان یاری می‌طلبیم.

دکتر مزدآپور: جشن نوروز، یک جشن ملی و بومی است و بسیار هم قدمت دارد، اما گهنبار، به گذشته‌ای دورتر مربوط می‌شود که برای یافتن جایگاه آن باید به جزئیات توجه داشت و زمان و روزهای برگزاری‌اش را بررسی کرد. گهنبارها، جشن‌های ملی ایرانی بوده که توسط نیاکان ما برگزار می‌شده است. اما آن‌چه در بحث ما مهم به نظر می‌آید، این است که برای احیا و پویایی این جشن باید به نقش اجتماعی‌اش دقت کرد و با ترندهایی، به آن نقش اجتماعی امروزی داد. برای نمونه، این جشن‌ها می‌توانند بنیان دیدارهای عمومی شوند با توجه به این که علاقه‌مندی جوانان زرتشتی هم به این رسم دیرینه زیاد است که این یک عامل مثبت به شمار می‌آید.

موبد شهزادی: در زمان جمشید ایرانی‌ها، کشاورز بوده‌اند. آن موقع سال شماری دنیا، سال شماری کلدانی‌ها و ایلامی‌ها بوده است. ایرانی‌ها که می‌خواستند امور کشاورزی خود را با این تاریخ تطبیق دهند، دریافتند سال قمری به کارشان نمی‌آید، در نتیجه مغان و ستاره‌شناسان سال و ماه شمسی را کشف کردند. و از آن پس سال شماری شمسی مورد استفاده قرار گرفت که روزهای گهنبار هم در طول سال، طبق همین گاه‌شماری منظور شده است.

دستاوردهای فرهنگی، در هریش زمینه دینی ماندگار است و حذف آن مشکل. برای نمونه، یشت‌هایی که بعد از زرتشت پیدا شد - مثلاً اورمزدیشت و... - حاوی مطالبی بود که تا حدی برخلاف نظرات زرتشت به نظر می‌آمد. ولی به دلیل باقیمانده فرهنگ دینی سابق، این یشت‌های جدید هم مورد قبول قرار گرفتند، پس گهنبارها هم همچنان پذیرفته باقی ماندند.

گهنبار به معنی زمان انبار یا خیرات محصول است. زمان بذل و بخشش است که در سال، شش وعده برگزار می‌شود: ۱- میدیوزرم گاه، ۲- میدیوشم گاه، ۳- پیتی شهیم گاه، ۴- ایا سرم گاه، ۵- متیدیایم گاه، ۶- همس پت متیدیم گاه

در زمان ابراهیم، مسأله قربانی انسان به قربانی حیوان تبدیل می‌شود و زمان زرتشت قربانی حیوان نیز به پیشکشی غذا تقلیل می‌یابد. در گهنبار هم این پیشکشی به شکل خیرات سیروگ

(نوعی نان سرخ شده)، لُرک (آجیل - خشکیار) و میوه و غذا انجام می شود. چون در اصل منظور اصلی گهنبار، خیر و خیرات است.

دکتر وحیدی: خواهش می کنم در این راستا، به غیر زرتشتی ها هم بیندیشید. باید بدانیم این گهنبارها تا لباس آخر سده بیستم را نپوشند، نمی توانند پایدار بمانند. برای نمونه، گات ها چون با زمان پیش رفته، باقی مانده ولی برخی از بخش های اوستا را باید کنار گذاشت، هرچیز کهنه را باید کنار گذاشت. اندیشور امروزی مسأله تاریخی اش، بررسی امروز است.

آقای رستم وحیدی: سابقه تاریخی گهنبارها، به قبیله از آریایی ها برمی گردد. این مراسم ریشه های بسیار کهن تاریخی دارند و تنها سه تا از گهنبارها به دوران آریایی ها تعلق دارد. این ایام، ربطی به گات ها، سرودهای زرتشت ندارد و باید توجه کرد که گنجینه دینی ما هستند. احیای این مراسم، برای جامعه امروز ما هم باید بنیان دینی داشته باشد، همان گونه که در گذشته داشته است. دکتر رجبی: من این جشن را از نظر دینی بررسی نمی کنم. بچه من، مسلمان زاده است. درست به همین دلیل تبلیغ زرتشتی نمی شود! این جشن یک مبنای بومی دارد. ما باید جایگاه تاریخی آن را پیدا کنیم و آیا به جز چند کتیبه و چند کتاب دعای پهلوی مبنای دیگری تا حال در اختیار داشته ایم؟ البته چند نویسنده رمی و یونانی هم داریم که به کمک همین دستنوشته های پهلوی منسوب به اوستا، تحقیق هایی کرده اند، با همین اندک توانسته ایم برخی تاریکی ها را بشکافیم و موارد زیادی را هم کشف کنیم. اما درباره گهنبارها آیا بیش از ده صفحه چیز دیگری در این کتاب های تاریخی پیدا می شود؟

جامعه زرتشتی اصلاً به آیین خودش نپرداخته است. دست کم مطالب را ترجمه می کردند، تا حالا خیلی از تاریکی های تاریخی شان روشن می شد.

در ایران باستان، چیزی جز دین و آیین وجود نداشته است، زندگی مردم هم، یک زندگی دهقانی بوده، پس طبق این واقعیت دین را از آیین جدا کردن و بعد آن ها را از مدنیت تفکیک کردن، غلط است. در ضمن، به احیای ایران بزرگ اندیشیدن هم اشتباه است.

آقای بوذرجمهر پرخیده: بیاید مباحث تازه ای را پیدا کنیم. جوان ها هم دنبال مطلب به دردخور هستند، دنبال چیزهایی که بپذیرندش و به کارش بندند. درباره گهنبارها:

دربازنگری به این جشن، باید جنبه اقتصادی آن را بررسی کرد. همچنان که در گذشته هم جنبه اقتصادی این مراسم عمده بوده و بیشتر برای هیئاری برگزار می شده است. به نظر من، در این زمان باید جنبه اقتصادی گهنبارها را تقویت کرد. اما به جای نان یا غذا دادن، برای کارهای بهتری سرمایه گذاری نمود برای نمونه در زمینه نشر کتاب یا کارهای فرهنگی دیگر... یا حتی، شاید گهنبارها بتوانند منابع تأمین کمبودهای اقتصادی عده ای باشند. این ها هم مواردی است که باید مطالعه شود.

دکتر مزداپور: آیین قدیمی زرتشتی را می توان تازه کرد، اما این کار در زمان ما مانند زنگوله به گردن گریه بستن است.

ناگفته هم نماند، فضای قدیمی گهنبار، غیر قابل تکرار است و این یک چیز فرمولی نیست، بلکه یک ذهنیت بوده که برای دوران‌ها تکرار شدنی نیست. چه بسا دیگران، در آن صورت برداشت‌های دیگری بکنند!

دکتر رجیبی: در ادامه صحبت قبل، می خواهم از فرصت استفاده کنم، بپرسم چرا نمی گذارند از کتاب‌های کتابخانه یگانگی استفاده کنیم. ما به مسوولین آن کتابخانه پیشنهاد دادیم که این کتاب‌ها را برایتان کنسرو می کنیم، جلد می کنیم و برای خودمان هم کپی می گیریم و به شما باز می گردانیم ولی مورد قبول آن‌ها واقع نشد و آن منابع همچنان غیر قابل استفاده، در کتابخانه یگانگی مانده است.

دوست جوان، آقای پدرام سروش پور: بیایید بررسی کنیم، این گهنبارها چقدر هزینه برمی دارد و چه نیروی انسانی لازم دارد. آیا به تناسب هزینه اش، بازدهی دارد؟ نقاط قوت و ضعف آن چیست؟

به نظر من از جمله نقاط قوت آن، دید و بازدید است و حفظ این سنت پسندیده. اما ضعف آن، عدم پویایی، عدم انطباق با زمان خودش و عدم نوآوری در شیوه برگزاری است. به این صورت گهنبار، حتی اگر از بین نرود، در جا می زند، چنانکه تا به حال. در جازدش هم به این دلیل است که نتوانسته با احتیاجات زمان، سنخیت پیدا کند.

مسئله دیگر، بهره‌وری است. آیا بار فرهنگی این جشن‌ها، آن قدر هست که بگوییم صرفاً یک عادت نیستند؟ باید پلی بین قدیم و جدید زد. وجود جشنواره سراسری در گهنبارها، حتی تبدیل آن‌ها به جشنواره‌های هنری، ادبی، علمی و...

ما باید آرمان‌هایمان را با شرایط امروز وفق دهیم. البته پشتوانه مالی هم جنبه عمده این موارد است که باید حل شود.

دکتر مزداپور: پایه سنتی گهنبارها را باید رعایت کرد، وگرنه معلوم نیست به کجا می‌رسیم. چه بسا مردم عادی از شرکت در این جشن‌ها دلزده شوند که همین پایه اجتماعی آن را سست خواهد کرد.

آقای سیروس خسروی: گهنبارها امروز، به صورتی برگزار می‌شود که بیشتر جنبه شخصی دارد، یعنی هرکسی که امکان مالی داشته باشد برخی از گاه‌های گهنبار را برگزار و دیگران را دعوت به شرکت در آن می‌کند. در حالی که بهترین نوع گهنبار شکل «توجی» و همگانی آن است که در نتیجه همه افراد یک محله یا یک شهر در آن شرکت داشته باشند. مانند گهنباری که در «محله شهر» کرمان (در مهر) هر سال به یاری همه زرتشتیان آن‌جا برگزار می‌شود. به این ترتیب نخستین نشست درباره یکی از رسم‌های کهن پایان یافت.